

کیهان

دوری از خدا، نتیجه ریاست‌دوستی

از نظر آموزه‌های اسلامی، ریاست و سروری بر مردم نه تنها از نظر هدف‌گذاری، حسنه و نیک نیست، بلکه شری است که زمینه‌ساز بیراهه رفتن و استفاده از هر وسیله و ابزاری است که جز تباهی برای شخص و جامعه‌اش، سود و ثمره‌ای ندارد. از این‌رو ریاست‌طلبی در اسلام نهی شده است؛ چه رسد که شخص گرفتار بدتر از آن یعنی ریاست‌دوستی شود و حب مقام و جاه و ریاست در جانش قرار گیرد. چنین شخصی ریاست را به جای خدا گذاشته و به جای حب خدا، حب جاه را قرار داده و خدایش را هوای‌های نفسانی شده است که بدترین هدف‌گذاری در زندگی و خسران آشکاری است که برآیند آن چیزی جز از دست رفتن فرصت تکرارنشدنی عمر و سرمایه‌های وجودی نیست که خداوند برایش در دنیا فراهم آورده تا تأدیت خویش را بدان بسازد و خوشبختی ابدی را برای خویش رقم زند؛ اما او سرمایه‌ها را تباه کرده و اصل سرمایه را از دست داده و نه تنها از سود ضرر کرده بلکه از سرمایه هم زیان دیده است. چنین شخصی در دنیا و آخرت گرفتار شقاوت و بدبختی خواهد شد. این‌گونه است که به یوان ملعون در روایات معرفی می‌شود.

ریاست‌دوستی، مقدمه ریاست‌طلبی

بر اساس آموزه‌های وحیانی، ما درباره جاه و ریاست سه دسته روایت داریم: یک دسته از روایات نفس «جاه» یعنی سلطه داشتن بر دیگران را نکوهش می‌کند و دسته دیگر «طلب ریاست» و اینکه انسان برای رسیدن به پست و مقام، دست و پا بزند را هدف‌گیری کرده و دسته آخر هم مربوط به «حب ریاست» است که همگی مورد نکوهش و نهی قرار گرفته است.

(رسالل بندگی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی، ص ۲۹۹)

ضرورت تهذیب نفس پیش از ریاست

برخی میان جاه و مقام فرقی قائل نیستند و معتقدند که جاه همان مقام است، در حالی که جاه یا مقام و ریاست فرق دارد. جاه در حقیقت همان نوع خاصی از سلطه و استیلا بر دیگران است (همان، ص ۲۰۲) که در روایت آمده است حب آن آخرین چیزی است که از قلوب صدیقین خارج می‌شود. بنابراین حب‌الجاه همانند حب‌المال از شاخص‌های مهم حب‌الدنیا است که از ذایل اخلاقی محسوب می‌شود و در فرایند تهذیب نفس و خودسازی باید بسا آن مبارزه کرد. از این‌رو یکی از بدترین و زیانبارترین آفات حکومت، سیاست و قدرت، حب جاه و ریاست‌دوستی است که امام راحل همواره متذکر می‌شدند که تا قبل از تهذیب نفس و خودسازی وارد عرصه ریاست و قدرت نشوید، چرا که در این صورت موجبات هلاکت دین و دنیای انسان را فراهم می‌آورد.

خود ایستاده ببیند، جایگاه او آتش جهنم است. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹۰) بنابراین وقتی انسان بر اساس هوای نفس، حب به جاه پیدا می‌کند، این حالت، مقدمه‌ای می‌شود که از دنبال ریاست‌ برود و به همه ابزار، لوازم و علل و اسباب آن تمسک پیدا می‌کند تا به هدف خود نایل آید و همین امر سبب هلاکت دین و دنیای او می‌شود.

کسانی که دنبال ریاست به هر شکلی می‌روند حتی اگر نیت صادقانه‌ای داشته باشند باید توجه داشته باشند بدون تزکیه نفس و خودسازی از قبل و همراه و پس از آن نمی‌توانند از هلاکت ابدی ناشی از ریاست و مقام آمان باشند؛ زیرا حرکت در این راه همانند حرکت بر لبه تیز مشیری است که جانش را می‌گیرد. این‌گونه است که شخص به سبب حفظ قدرت به هلاکت می‌افتد؛ چرا که همواره اهل قدرت با چالش‌هایی مواجه هستند که رقیبان می‌سازند و شخص برای حفظ حتی موقعیت سالم و حق خود باید تلاش کند تا با سبک‌گویی آنان باشد، حتی اگر شخص، از عصر کارآمدی برخوردار باشد، همواره در معرض تهمت است؛ همان‌طوری که پیامبر(ص) و امام علی(ع) در زمان قدرت و حکومت در معرض آن قرار داشتند. این تهمت‌ها هم به حوزه‌های جنسی مربوط می‌شود. (نور، آیه ۱۱) و هم مالی و سوء استفاده از بیت‌المال مسلمین و اینکه خویشان را مقدم داشته و به جای اثرا به استیثار رو آورده است؛ چنانکه پیامبر(ص) بر اساس آیات قرآن بارها متهم می‌شود.

پس کسانی که خود را نساخته‌اند، در صورت ریاست‌طلبی قطعا خود و دیگران و جامعه را به هلاکت خواهند انداخت و تجربه تاریخی این حقیقت

* کسانی که خود را نساخته‌اند، در صورت ریاست‌طلبی قطعا خود و دیگران و جامعه را به هلاکت خواهند انداخت و تجربه تاریخی این حقیقت را به اثبات رسانده است. بر این اساس ریاست و پست و مقام تنها شایسته افراد مذهب و خودساخته و رهیده از هواها و تمایلات نفسانی است و در غیر این‌صورت، فساد و تباهی و شقاوت در انتظار شخص ریاست‌طلب خواهد بود.

بر این اثبات رسانده است. بر این اساس ریاست و پست و مقام تنها شایسته افراد مذهب و خودساخته و رهیده از هواها و تمایلات نفسانی است و در غیر این‌صورت، فساد و تباهی و شقاوت در انتظار شخص ریاست‌طلب خواهد بود.

شخص طالب ریاست، باید به هر شکلی شش خود را از اتهام دور نگه دارد؛ در حالی که قدرت، موضع اتهام است و شخص خواسته و ناخواسته در معرض آن است، بلکه حتی اگر شخص خودش متمم ردیف اول نباشد، خویشان او متمم ردیف اول سوءاستفاده خواهند بود، این‌گونه است که شخص باید همواره پاسخگوی این و آن باشد و این پاسخ‌گویی غیر از پاسخ‌گویی به خدا و پیامبر(ص) در دنیا و آخرت است. در چنین اوضاع بحرطری است که اشخاصی که تهذیب نفس نکرده و تزکیه نشده‌اند، دچار لغزش می‌شوند و برای دفاع از خویش به راه‌های ناصواب و سوءاستفاده از قدرت برای تنبیه و یا مجازات یا به قول خویش احقاق حق می‌روند و دیگران را به خواری می‌کشانند و همین زباده‌روی و اسراف و تعدی در مقابله به مثل یا دفاع موجب می‌شود که به ظلم گرفتار شده و به عنوان ظالم به هلاکت افتند.

طلب علم و درس خواندن ارزش دارد وگرنه شکم و شهوت و خواب و خوراک ر حیوانات هم دارند؛ بنابراین ارزش انسان به درک و فهمش است. با درس خواندن است که می‌فهمیم همین سنگی که نجس است؛ اگر آموزش ببیند و گوسفندی را بگیرد برای ما بیابرد، گوشت آن گوسفند حلال است وگرنه گوشت گوسفندی را که اگر آموزش ندیده بیابرد، حرام است، این علم است که می‌گوید فرق بین پست‌ترین موجودات که نجس‌العین است در صورت آموزش دیدن و آموزش ندیدن کاری که انجام دهد حلال یا حرام است. پیغمبری سوار بر الاغ بود از روستایی می‌گشت به قریستان رسید و گفت خدایا این مردمان چگونه زنده می‌شوند؟ در این هنگام به فرمان خداوند ثمر و صدسال بعد خداوند او را حیات دوباره بخشید و این نشان می‌دهد که علم، انقدر ارزش دارد که پیامبری صدسال باید بمیرد تا یاد بگیرد که خداوند چگونه مردگان را زنده می‌کند.

در اسلام فارغ التحصیل نداریم

چرا حوزه‌های علمیه در ایام تعطیلات تابستان تعطیل می‌شود. ما در اسلام فارغ‌التحصیل نداریم و باید علم را از گهواره تا گور آموخت، باید بر این اساس گفت «قولل رب زدنی علما»؛ علما و بزرگان دین در هوای دغدای تلخ درس خواندن و مرجع شدند و اینکه خداوند به حضرت موسی(ع) دستور می‌دهد تا حضرت خضر را پیدا کند و یاد بگیرد یعنی پیغمبر هستی؛ اما فارغ‌التحصیل نیستی.

باید بدانیم چه درسی بخوایم و روی مسیر چه مباحثی را مطرح کنیم، علم بر سه قسم است، علم مفید، علم ضرر و علمی مابین مفید و ضرر و در تعریف علم مفید باید گفت این همان علمی است که پیغمبری باید صدسال بمیرد تا یاد بگیرد؛ چرا که یادگیری، فهم و رشد و بصیرت را به دنبال دارد. بهترین تعریف علم مفید (و آیه قرآنی «وتعلمون ما یبزیهم ولا ینفعهم»)است؛ دانستن بعضی چیزها فایده‌ای بر آن مترتب نیست، مثل اینکه بدانیم شرایط خواندن نماز در قلب شمال چگونه است، بنابراین باید در آنچه که در منابر و سخنرانی‌ها برای مردم بازگو می‌شود، قسط شود که هر چه در رساله آمده دانشتنت برای مردم مفید نیست مثل بین خود و پنج در نماز که معمولاً پیش نیاید.

توجه به مسائل مورد نیاز مردم در سخنرانی‌ها

از دیگر مواردی که بیان آن در منابر نباید صورت گیرد این است که خطبه را

معارف

ریاست‌دوستی و سپس ریاست‌طلبی جزو رذایل اخلاقی است که ریشه در هوای نفس دارد. در روایات اسلامی همواره از حب جاه و مقام و ریاست نهی شده است، زیرا آشخوَر و بستر بسیار مناسبی برای پرورش و تقویت نفس می‌باشد. از نظر اسلام تنها کسانی باید دنبال ریاست باشند که خود را کاملاً ساخته و تهذیب کرده و از تمایلات نفسانی پیراسته شده‌اند؛ و هدفی جز رضای حق و خدمت به دین و خلق دنبال نمی‌کنند که اگر جز این باشند یعنی شخص، بدون تهذیب نفس قدم در وادی ریاست‌طلبی بگذارد، قطعاً با مشکلات و هلاکت روبرو خواهد شد، هرچند نیت او خیر و صرفا برای خدمت به دین و مردم باشد. در مطلب حاضر به برخی از آثار زیانبار ریاست‌دوستی و ریاست‌طلبی اشاره شده است.



گفتاری پیرامون چرایی نکوهش حب ریاست در اسلام

پست و مقام طعمه یا امانت؟!!

■ محمدعلی نیک‌خواه

ریاست‌طلبی، عامل هلاکت

همچنین قدرت به طور طبیعی، از این ظرفیت برخوردار است که انسان را به استبداد رای و خودکامگی بکشاند و به هلاکت ابدی گرفتار کند و دین و اخرتش را گرفتار سازد. از همین رو امام صادق(ع) فرموده‌اند: من طلب الرئاسه هلك؛ هر که دنبال ریاست باشد هلاک شود. (الکافی، ج ۲، ص ۲۹۷)

آن حضرت اینچنین می‌فرمود:
ببریزید از این رؤسایی که ریاست را به خود می‌بندند، زیرا به خدا سوگند که نقش‌ها دنبال سر مردی صدا نکنند، چز آنکه هلاک شود و خودش را به هلاکت افکند؛ زیرا هم خودش گمراه و ملعون هستند و هم آن مردمی که دنبال‌شان راه افتاده‌اند و هورا می‌کشند.
محمدبن مسلم گوید: شنیدم امام صادق(ع) همیشه می‌فرمود: گمان نکنی که من خویان و بدان شما را نمی‌شناسم؟! چرا به خدا که بدان شما کسی است که دوست دارد پشت سرش را رو روند، و بناچار باید دروغ‌پرداز یا ناتوان در رای باشد. (الکافی، ج ۲، ص ۲۹۸)

کسانی که با قدرت و ثروت و زور و زر و حتی تزویر، برای انتخاب شدن برای پست و مقام و منصب و جاه تلاش می‌کنند و مردم را می‌خرند و دنبال خویش این خیابان و آن خیابان و این شهر و آن شهر می‌برند و میتینگ و کارناوال و مهمانی راه می‌اندازند، در حقیقت ملعونانی هستند که به عنوان مستکبر، مستضعفانی را گله وار دور خود جمع کرده و خودشان و دیگران را به هلاکت می‌افکنند؛ زیرا این دسته‌ از مردم راه را بر شایستگان بسته‌اند و اجازه نمی‌دهند آثانی که شایسته هستند در این پست و مقام قرار گیرند و به مردم خدمت‌رسانی کنند. اینان همانند کسانی هستند که در خانه‌های اهل‌بیت(ع) را بستند و با حمایت‌های باطل خود اجازه دادند نااهلان، زمام امور دین و دنیای مردم را در دست گیرند و در مجالس به قانون‌گذاری و اجرای احکام و بده و بستان بپردازند و دین و دنیای امتی را تباه سازند. (احزاب، آیات ۶۸ و ۶۹ و روایات تفسیری)
آن‌ها هم‌رو امام صادق(ع) فرموده است: ملعون من تراس ملعون من هم بها ملعون من حدث بها نفسه؛ ملعون است کسی که ریاست را به خود بدهد، ملعون است کسی که به آن همت گمارد، ملعون است کسی که به فکر آن باشد. (الکافی، ج ۲، ص ۲۹۷)

سفیان بن خالد می‌گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: ای سفیان! از ریاست بپرهیز؛ زیرا هر که جوابی ریاست شد هلاک گشت. عرض کردم: فدایت شوم! پس همه ما هلاک شدیم؛ زیرا هیچ یک از ما نیست جز آنکه دوست دارد اسمش برده شود و مردم به او روی آورند و از او استفاده کنند. حضرت فرمود: درست متوجه نشدی، بلکه ریاست‌طلبی به این معناست که کسی را غیر از حجت خدا ایداعا کنی و هر چه می‌گویی تصدیق نمایم و مردم را به عقیده او فرا خوانی. (الکافی، ج ۸، ص ۱۵۳)

پس کسی که حجت خدا و شایستگان را کُتار بزند و بخواهد خودش ریاست کند یا زمینه را برای غیر اهل با یای دادن فراهم آورد و او را در منصب و جایگاهی قرار دهد که شایسته آن نیست، خودش را هلاک کرده و دیگران را نیز به هلاکت افکنده است. بنابراین نباید گفت رای

توصیه‌های حجت‌الاسلام قرائی

توجه به طلاب و اهل علم

سخنران به عربی بیان کرد حال آنکه برای عموم مردم قابل فهم نیست و فایده از شنیدن آن حاصل نمی‌شود، ۱۰ اشب سخنرانی برای مردم در محرم یا ماه رمضان یا هر مناسبت دیگر و پرداختن به یک موضوع خاص، کاری بیهوده و بی‌ثمر است و ما نباید امروز بر اساس آنچه که قدما عمل می‌کردند، عمل سخنرانی مفید، آن است که در هر شب به یک مبحث پرداخته شود، شیی به موضوع زکات، در شب دیگر اخلاق و نماز و مسائلی که مورد نیاز مردم است.

برخی سخنران با کلمات بازی می‌کنند و جملات و کلمات مترادف و هم معنا را مدام تکرار می‌کنند، در حالی که باید سخنران بر بالای منبر کم حرف بزند، مفید حرف بزند و مسائل مورد نیاز مردم را بازگو کند؛ ومن احسن قولا ممن دعا الی الله و بهترین آدم‌ها منبری‌ها هستند، اگر منبری دعوتش به خدا باشد منبرش خوب است به شرط اینکه این دعوت را نه در مسجد بلکه در خانه‌اش نیز بر همین اساس عمل کند؛ به عبارتی دیگر هر چه در خانه و هم در مسجد دعوتش «الی‌الله» باشد.

باید برای گفتار لحظه لحظه عمر از خداوند متعال استغفار کنیم و زمان را بیهوده از دست ندهیم؛ همان‌گونه که امامان ما از لحظه لحظه عمرشان برای استغفار و تسبیح خداوند استفاده می‌کردند و لحظاتی غافل از یاد و ذکر خداوند نبودند.

قرآن، بهترین و کامل‌ترین منبع برای وعظ

قرآن باید محور همه کارها باشد؛ چرا که قرآن جامع و کامل است و در باب همه مسائل می‌تواند به قرآن تمسک کرد و نکته‌هایش را استخراج کرد و آموخت،

نباید برای موعظه کردن به سراغ عرفان رفت، چرا که برخی از این عرفان‌ها غلط است یا نباید منبر را به بیان تاریخ منحصر کرد؛ چرا که صحت و عدم صحت آن مشخص نیست.

شما ببینید انسان‌ی را که بیرون از بانک به تماشای آن نشسته است و با جوانانی که با شددت و جدت به تماشای یک برنامه ورزشی ۹۰ دقیقه‌ای مثل فوتبال می‌نشینند، اینها همه زمان و وقت و کارهای بیهوده است که باید از

ریاست‌دوستی و سپس ریاست‌طلبی جزو رذایل اخلاقی است که ریشه در هوای نفس دارد. در روایات اسلامی همواره از حب جاه و مقام و ریاست نهی شده است، زیرا آشخوَر و بستر بسیار مناسبی برای پرورش و تقویت نفس می‌باشد. از نظر اسلام تنها کسانی باید دنبال ریاست باشند که خود را کاملاً ساخته و تهذیب کرده و از تمایلات نفسانی پیراسته شده‌اند؛ و هدفی جز رضای حق و خدمت به دین و خلق دنبال نمی‌کنند که اگر جز این باشند یعنی شخص، بدون تهذیب نفس قدم در وادی ریاست‌طلبی بگذارد، قطعاً با مشکلات و هلاکت روبرو خواهد شد، هرچند نیت او خیر و صرفا برای خدمت به دین و مردم باشد. در مطلب حاضر به برخی از آثار زیانبار ریاست‌دوستی و ریاست‌طلبی اشاره شده است.



گفتاری پیرامون چرایی نکوهش حب ریاست در اسلام

در حالی که در اسلام رسیدن به هدف نامشروع و مقبول مانند آخرت و رضایت خدا و تقرب به او، تنها از راه‌های مشروع و مقبول مجاز است و انسان نمی‌تواند حتی برای انجام حج واجب و نماز از آب و لباس و نوشه حرام استفاده کند؛ زیرا وقتی مجاری رسیدن به هدف، آلوده و ناپاک باشد، هدف نیز دچار آلودگی می‌شود و انسان را تباه می‌سازد.

از دست رفتن دین و ایمان، رهاورد ریاست‌طلبی

حب جاه و ریاست، حتی اگر ایمان را به فراهم معنا از میان نبرد، ولی اگر در جاده رای یافت، زمینه تباهی آن را فراهم می‌آورد، از این رو امام صادق(ع) فکر جاه و ریاست را خطرناک دانسته و چنین شخصی را ملعون می‌شمارد؛ زیرا ا فکر مانند خوره ایمان را می‌خورد و در گام نخست نفاق را در قلب می‌روانَد و زمینه‌ساز دوری شخص از ایمان و امت راستین می‌شود و به جای یاری امت اسلام دست خیانت به سوی اجانب و بیگانگان دراز می‌کند تا او را برای رسیدن به پست و مقام کمک کنند. این گونه است که زد و بندهایی را با دشمنان اسلام و بیگانگان و کافران و مشرکان انجام می‌دهد تا بتواند بسه اهداف خویش در مقام و منصب دست یابد. پیامبر گرامی(ص) نسبت به شکل‌گیری علاقه به مقام و جاه و منصب در دل‌های مومنان هشدار داده و می‌فرماید: حب الجاه و المال ینتجان النفاق یی القلب کما ینبت الماء البقل؛ حب جاه و مال در قلب نفاق می‌روانَد همچنان که آب، گیاه را می‌روانَد. (جامع الاسعادت، ص ۲۴۹)

خطر بزرگی که ریاست‌طلبان و ریاست‌دوستان را تهدید می‌کند از دست رفتن رفیق ایمان و اخرت آنان به سبب دوستی ریاست است؛ حتی اگر این ریاست‌طلبی برای انجام خیر باشد، ولی چون خود به یک هدف تبدیل نشده، زمینه‌ساز نفاق و در نهایت تباهی دین می‌شود؛ زیرا اندک اندک محیط ریاست مانند محیط آلوده‌ای، قلب و جان شخص را تباه ساخته و او را برای حفظ مقام یا تقویت جایگاه و پایگاه خود به استفاده از هر ابزار و وسیله مشروع و نامشروعی می‌کشاند و در نهایت او را در دستان پلید ابلیس و شیاطین و ولایت آنها قرار می‌دهد.

معمربن خالد نزد حضرت رضاع) نام‌مردی را برد و گفت: او ریاست را دوست دارد، حضرت فرمود: بودن دو گرگ درنده درمیان گله گوسفندی که چوپانش حاضر نباشند، زیانبخش‌تر از ریاست باشد به دین مسلمان نیست؛ یعنی ریاست‌طلبی از دو گرگ درنده به دین مسلمان بیشتر زیان رساند. (الکافی، ج ۲، ص ۲۹۷)

شقاوت ابدی برای ریاست‌دوستان

مرحوم مجلسی گوید: ریاست، بد و خوب دارد، ریاست خوب آن است که خدای تعالی به پیغمبران و اوصیا علیهم السلام داده و نیز مانند قاضی و امام جماعت و تدریس و وعظ و هر منصب شرعی که مقصود رئیس، دلسوسوزی برای مردم و جلوگیری از فساد و منکرات باشد، و این ریاست واجب کفائی و گاهی واجب عینی است؛ ریاست مذموم و ناپسند آن است که شخص رئیس، از منشیب سوءاستفاده کند و مقصودش به دست آوردن اغراض پست دنیا باشد؛ این ریاست را درجه دومهوه و ناپسند آن حمل شود یا بر اینکه کسی نفس نفس ریاست را دوست داشته و جاذب‌ب باشد و غرض شرعی مستحسنی از آن نداشته باشد.

انسان حتی اگر در جای شایسته نشست باید مراقب باشد تا وظیفه‌اش را به احسن وجه انجام دهد و در کارش کوتاهی نکند تا خوار و ذلیل نشود. از همین رو، امام علی (ع) هشدار می‌دهد و می‌فرماید: هر صاحب ریاست و حکومتی که در هنگام تصدی پست و مقامش خودخواه و متکبر باشد و به مردم خیانت کند و احکام دین را پایمال نماید به همان اندازه خیانتش در هنگام بر کتار شدن از آن پست و مقام، نزد مردم خوار می‌شود. (غررالحکم صفحه ۱۱۸)

امام علی(ع) همچنین به اهل ریاست و ریاست‌طلبان و ریاست‌دوستان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: در جهنم آسیابی است که می‌چرخد، نمی‌رسید که چه چیز را خورد می‌کند؟ پرسیده شد چه چیز را ی‌علی؟ فرمود: ۱- عالم و دانشمند معارف دینی که فتنگار بوده و به علش عمل نمی‌کرده است؛ ۲- فقیری که به خاطر فقر، فاقس و تنگبار است؛ ۳- حاکم و رئیس‌ی که به خاطر ریاستش ظلم به مردم کرده است؛ ۴- وزیری که بر مردم خیانت نموده و گمراهشان کرده است؛ ۵- کدخدا یا رئیس‌ی که دروغگو بوده و به وظایفش نسبت به مردم عمل نکرده است. (تصاحب صفحه ۲۲۴)

* کسانی که با قدرت و ثروت و زور و زر و حتی تزویر، برای انتخاب شدن برای پست و مقام و منصب و جاه تلاش می‌کنند و مردم را می‌خرند در حقیقت ملعونانی هستند که به خود سبب استکبر، مستضعفانی را گله وار هلاکت می‌افکنند؛ زیرا این خودشان و دیگران را به هلاکت می‌افکنند؛ زیرا این دسته از مردم راه را بر شایستگان بسته‌اند و اجازه نمی‌دهند آثانی که شایسته هستند در این پست و مقام قرار گیرند و به مردم خدمت‌رسانی کنند.

پست و مقام، امانتی الهی

سوال این است که پست و مقام‌هایی که در اداره جامعه وجود دارد و لازمه حیات اجتماعی انسان‌ها است یا نه؟ چگونه و انگیزه‌ای باید به دست آید تا جوامع انسانی به سعادت و رستگاری نائل شوند؟

براساس آموزه‌های وحیانی، پست و مقام در اداره جامعه و حکومت به مثابه امانتی الهی باید تلقی گردد. که فقط افراد شایسته و صاحب صلاحیت در دو عرصه نظری و عملی می‌توانند ست و مقام‌های جامعه را احراز نمایند. امام علی(ع) در حکم مسئولیتی خود به افراد در دوران حکومت و صدارت به این جمله تأکید می‌فرموند که این پست و مقام برای تو طعمه تلقی نگردد بلکه این امانتی الهی است که بر گردن تو نهاده شده است. (تهج‌البلاغه- نامه ۵)

بنابر این پست و مقام در حق جامعه توحیدی و الهی، به مثابه امانت الهی است که صاحب امانت باید ویژگی‌ها و صلاحیت‌های فکری و اخلاقی لازم را برای احراز آن داشته باشد همان گونه که قرآن کریم می‌فرماید: ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها. تحقیقاً خداوند شما را امر می‌کند که امانات (الهی) را به اهلش بسپارید. (نساء- ۵۸)

اشک باشد؛ اینکه می‌گویند علما و روحانیان سلسله جلیله هستند این در صورتی مصداق دارد که فرقی بین نماز نجار و بنا و قصاب با یک عالم باشد وگرنه همین نماز سه رکعتی مغرب و عشا را یک انسان معمولی هم می‌خواند. طلبه باید از ابتدا مواظب طلبگی‌اش باشد، تقوا باید از ابتدا در طلب تقویت شود و یک طلبه باید با مطالعه فرایش با امروز و دیروزش متغایر باشد و البته برای این تفاوت نیاز است که مجور کارهایش را تفسیر و جدی گرفتن قرآن قرار دهد.
ضرورت مهارت آموزی در بین طلاب حوزه‌های علمیه
در حوزه‌های علمیه باید طلاب در هر سال تحصیلی مهارتی خاص را فرا گیرند، براسا مثال در سال اول روش تدریس قرآن در سال دوم مذهب گویید در سال سوم احکام که اگر طلبه‌ای در سال دوم دیگر درسش را ادامه نداد، حداقل فایده‌اش این است که او دو هنر تدریس قرآن و آموزش احکام را فرا گرفته است. یک طلبه باید دخی گوشتند، شنا و تیراندازی و حتی مرده شوری را فرا بگیرد و بتواند پاسخگوی شقاوت واهیان باشد، باید تعجیل کنیم زمان، زمان خوبی است. نگاه نکنیم که چند جوان بی‌جواب و کذابی در جامعه هستند، باید جدی باشیم و از زمان حاضر به خوبی بهره بگیریم.

روضةخوانی ما نیز باید بر اساس قرآن باشد؛اگر می‌خواهیم روضه حضرت علی(صفرع) را بخوانیم، باید بر اساس آیات قرآن باشد که بنده بر این اساس روضهخوانی می‌کنم.

خوبترین روضه خوان است، وهایی‌ها می‌گویند روضه‌خوانی شرک است؛

در آیه ۹ سوره تکویر آمده است: بای ذنب قتلت، آنان به چه جرمی دختران را زنده به گور می‌کردند، می‌پیمیم که خدا برای دختر مشرک نیز روضه می‌خواند؛

چرا که در جایی که ظلمی بر کسی روا شد چه مسلمان چه مشرک تفاوتی ندارد و برای آن ناله کرد و روضه خواند.

حوزه‌های علمیه نور هستند و باید از این نور کسب فیض کرد، خط را گم نکنیم و یامان نرود چه واجب و چه مستحب است، حوزه مثل خورشید است؛ از نور خورشید استفاده کنید؛ باید در هشت سال طلبگی هشت هنر طلبگی را طلب بیاموزند و باید بازگویی کنیم و خاک باغچه را عوض کنیم و مقداری تغییر و تحول در برنامه‌ریزی‌ها باشد.

از رسا

صفحه معارف روزهای: یکشنبه ۱۳۹۴
۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۲۷ - شماره ۲۱۲۴۵



قدرت نرم بر پایه عدالت و عقلانیت

قال الامام علی(ع): اذا بنی الملک علی قواعد العدل و دعائم العقل، نصر الله موالیه و خذل معادیه
امام علی(ع) فرمود: زمانی که حکومت بر پایه عدل و عقل استوار شده باشد، خداوند دوستانداران آن را یاری و دشمنانش را خوار می‌سازد.^(۱)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۸۳



پرهیز مطلق از پنج گروه

امام باقر(ع) می‌فرماید: پدرم، امام سجّاد(ع) به من فرمود: «بِسْمِ» مواظب باش که از پنج گروه نه دوستی داشته باشی و نه همسخن شوی، و نه در راهی با آنان همراه شوی» گفتم: پدر آنان کیانند؟ فرمود: ۱- از دوستی با دروغگو پرهیز، زیرا دروغگو همچون سراب است، دور را برای تو نزدیک جلوه می‌دهد و نزدیک را برای دور می‌نمایاند؛ ۲- از دوستی با فاسق پرهیز، چرا که تو را به لقمه‌ای یا کمتر از لقمه‌ای می‌فروشد.

۳- دوستی با بخیل پرهیز، زیرا تو را در زمانی که بیشترین نیازمندی را به مال او داری رها می‌کند.

۴- از دوستی با احمق پرهیز، چرا که احمق هر چند اراده سودرسانی به تو را دارد، اما به تو زیان می‌رساند.

۵- از دوستی باکسی که رابطه‌اش را با خویشان خود قطع کرده است پرهیز، چرا که در سه آیه از قرآن مورد لعن قرار گرفته است.^(۲)

۱- اصول کافی، ج ۲، کتاب العشره، ح ۷



مضرات دنیوی و اخروی غفلت از خدا

پرسش:
از منظر آموزه‌های وحیانی، غفلت از خداوند چه آثار زیانبار دنیوی و اخروی را به دنبال دارد؟

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به پنج مورد از اهم مضرات دنیوی و اخروی غفلت از خداوند شامل: ۱- همراهی شیطان ۲- سختی در زندگی و گور محشور شدن در قیامت ۳- خواری دنیوی و عذاب اخروی ۴- نفاق ۵- هدف شیطان اشاره کردیم، اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۶- عدم همراهی پیامبر(ص)، پیروی از هوای نفس، اسراف در کار

خدای متعال در سوره کهف آیه ۲۸ سه اثر و نتیجه را در غفلت از یاد خدا مطرح می‌کند:

الف) عدم همراهی پیامبر(ص) «و لا تلع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا»

ب) پیروی از هوای نفس «و اتبع هواه»

در قلبی که یاد خدا نیست، خداوند محبوب آن قلب نمی‌باشد.

زیرا محبت فرع بر معرفت و آشنایی و یاد خداست.

ج) اسراف و عدم تعادل: «و کان امره فرطا»

۷- هلاکت و خسران

قرآن کریم در سوره فرقان آیه ۱۸ می‌فرماید: گویند، منزهی تو، ما را سزاور نبوده است که جز تو کسی را به یاری بگیریم، تو خود آنها و پدرانشان را برخوردار ساختی، چنانکه یاد تو را فراموش کردند و مردمی شدند به هلاکت افتاده. بنابراین از نتایج غفلت از یاد خداوند، هلاکت است.

همچنین در آیه ۹ سوره منافقون خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از ذکر خدا به خود مشغول ندارد که هر کس چنین کند، زینکار است.

۸- گمراهی آشکار
خدای متعال در سوره زمر آیه ۲۲ می‌فرماید: «وای بر سخت‌دلانی که یاد خدا در دل‌های آنان راه ندارد، که در گمراهی آشکار هستند» در این آیه شریفه دو مطلب درباره افرادی که قلب‌هایشان خالی از یاد خداست مطرح شده: اول اینکه به چنین اشخاصی واژه «ویل» نسبت داده شده است، که نوعی نفرین شمرده می‌شود، دوم آنکه در انتهای آیه می‌فرماید که این چنین اشخاصی در عذاب و گمراهی آشکار هستند.

۹- اسراف و تبذیر(پیامبر(ص)
خدای متعال در سوره نجم آیه ۲۹ به پیامبرش دستور می‌دهد، از افسردگی که از یاد خداوند دور و گریزان هستند، اعراض کند «فاعرض عن من تولی عن ذکرنا» و این مطلب به وضوح اهمیت یاد خدا را، می‌رساند، و در ادامه آیه آمده است که «و لم یرد الا الحیلة الدنیا» گویا رابطهای بین اعراض زیاد خدا و اراده و دوستی دنیا وجود دارد که هر چقدر حب به دنیا افزون گردد، اعراض از یاد خدا بیشتر می‌شود.

۱۰- ویژگی کافران
خدای متعال در سوره کهف آیه ۱۰۰ می‌فرماید: «در آن روز جهنم را به کافران، چنان که باید نشان خواهیم داد» و سپس در آیه بعدی غفلت از خداوند را یکی از ویژگی‌های آنها می‌شمارد.

آن کسانی که دیدگانیشان از یاد من در حجاب بوده و توان شنیدن نداشتند، همچنین در سوره انبیاء آیه ۲۲ خداوند اعراض از یاد خدا را از اوصاف کفار بیان می‌کند.



سلوک عارفانه

دعای غریق سالک
(بدان ای سالک طریق حق) امام صادق(ع) خطاب به ابن سنان می‌فرماید: به زودی در شبهه‌ای خواهید افتاد و بدون نشانه‌ای نمایان و امایی رحمتا خواهید ماند؛ از این شبهه راهبای نباید مگر آن کس که دعای غریق را بخواند. عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ حضرت فرمود:

می‌گویی: «یا الله یا رحمان یا رحیم، یا مقلب‌القلوب ثبت قلبی علی دینک» ای خدا، ای رحمان و ای رحیم، ای متحول کننده دل‌ها، قلب مرا بر دین خودت استوار ساز!

میزان‌الحکم، ج ۱، ح ۱۱۸۷

صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱